

آموزه ها و مفاهیم

تربیتی اذنان

آموزه‌ها و مفاهیم تربیتی اذان

مریم الهامی پور*

چکیده

اذان شعاری الهی است و ترسیم‌گر جهت و برنامه زندگی افراد که در اوقات شرعی از فراز مناره‌های مساجد (پاک‌ترین و مقدس‌ترین اماکن روی زمین) روح و جان خداجویان را معطر نموده و آنان را به سوی مبدأ و قبله آمال جهانیان رهنمون می‌شود. اذان تأکیدی است بر این حقیقت که رمز سعادت، نماز است. البته نمازی همراه با ولایت. واضح و مبرهن است که شیعیان هرگز در اذان تحریفی ایجاد نکرده‌اند و عبارت «أَشْهَدُ أَنْ عَلَيَّاءَ وَلِيُّ اللَّهِ» را به عنوان جزئی از ایمان و ولایت از روی حبّ و دوستی و بیعت در اذان می‌گویند. ادب مسلمانی ایجاب می‌کند که اذان را هم مثل سایر عبادات با حفظ همه آداب و شرایطش به جای آورد تا به نحو مؤثر موجب ترغیب مؤمن به ادای فریضه نماز مقبول درگاه الهی گردد.

واژگان کلیدی: اذان، اهمیت شناخت اذان، آداب اذان، معارف تربیتی.

*. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق.

مقدمه

حسّ نیایش از اصیل‌ترین ابعاد وجود انسان و پایدارترین و قدیمی‌ترین تجلیات روح آدمی است که از آغاز خلقت بشر در هر گروه و مکانی وجود داشته و تنها شیوه آن و شخص معبود متفاوت بوده است. از نظر شکل و حرکات دسته جمعی موزون و ناموزون، همراه با یک سلسله اذکار و اوراد تا عالی‌ترین خضوع‌ها و از نظر معبود از سنگ و چوب تا ذات قیوم ازلی ابدی منزّه از بُعد و مکان.

رسالت پیامبران در این سیر تنها هدایت افراد و اصلاح الگو و شیوه نیایش آن‌ها بوده تا از شرک و خرافه‌پرستی باز داشته و به سوی خالق کائنات و مبدأ و منتهای هستی رهنمون گردند.

کامل‌ترین و زیباترین تجلی عبادت و پرستش خدا نیز نماز است؛ نمازی که خیر العمل است به شرطی که مقرون به ولایت و نیکی به فاطمه علیها السلام و فرزندان او علیهم السلام باشد و اذان، شعاری رسا و دعوتی رسمی به سوی این نماز است البته همراه با تأکید و تکرار که ای بندگان خدا! راه نجات و سعادت در نماز است. پس آن را را دریابید و خود را در آن شست و شو داده و به رشد و تعالی برسانید و به زندگی جاوید دست یابید که هرگز مرگی در آن نخواهد بود.

هدف اصلی این پژوهش بررسی مفاهیم و وجوه زیبایی اذان است که شامل اهداف جزئی آشنایی با تفاوت‌ها و علل اختلافات اذان شیعه و اهل سنت، تاریخچه تشریع و فلسفه اذان، آشنایی با مفاهیم لفظی، معنوی، زمانی و مکانی اذان است تا بتوان به این سؤال پاسخ داد که چه مفاهیم و زیبایی‌هایی در اذان نهفته است؟

این موضوع از آن‌جا ضرورت پیدا می‌کند که اگر نماز و فرهنگ آن در جامعه فراگیر و نهادینه شود، کمتر کسی قدرت بدی پیدا می‌کند و اگر افراد به آن سطح از آگاهی و معرفت و شعور دینی دست یابند که خود تشخیص دهند، جهت اصلاح درون و برون خویش به نماز نیازمندند و فعالانه و دلسوزانه به آن روی آورند و خانواده و اطرافیان خویش را به آن متوجه نمایند، دیگر زمینه پیدایش و رشد افکار منفی و رفتارهای نادرست هم ایجاد نخواهد شد. اما امروزه اذان در جامعه اسلامی ما غریب و مهجور مانده است و همچنان هستند افرادی که در اثر جهل و نادانی از اسرار، فضایل و آثار اذان به آن بی‌حرمتی کرده و حقش را ضایع می‌نمایند.

از طرفی در راستای اشاعه فرهنگ نماز هنوز خلأهای زیادی وجود دارد. در راستای آشنایی با همه ابعاد، آثار و لایه‌های مفهومی اذان نیز به ندرت می‌توان کتاب یا نوشته‌ای مستقل و مستند و جامع معرفی نمود. اکثر قریب به اتفاق تألیفات در این موضوع به صورت گذرا، اجمالی و در قالب متون قدیم و جدید دیگر که از نماز و آداب و شرایط آن بحث کرده‌اند، می‌باشند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب ارزشمند «فلاح السائل» مرحوم سید بن طاووس و یا «ثواب الاعمال و عقاب الاعمال» شیخ صدوق علیه السلام اشاره کرد. روش تحقیق این نوشتار کتابخانه‌ای بوده و شیوه جمع‌آوری اطلاعات آن، جست و جو در منابع تفسیری، روایی، تاریخی و دینی و سایت‌های اینترنتی می‌باشد. از این‌رو ابتدا تاریخچه، فلسفه تشریع و جایگاه ارزشی اذان به استناد آیات قرآن مجید و روایات معصومین علیهم السلام و متون تاریخی بیان می‌شود و سپس به بیان وجوه زیبایی اذان می‌پردازد.

۱. تعریف و انواع اذان

الف. اذان در لغت و اصطلاح

تعریف لغوی اذان نظرات یکسانی مشاهده می‌شود از جمله:

۱- اذان یعنی: «جار زدن، اعلام کردن، بانگ نماز» (بندریگی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۰)؛

«اذان در لغت اعلام است و در شرع، اعلام به وقت نماز به طریقی مخصوص و معروف گاه اذان اطلاق می شود بر الفاظ مخصوصه معروفه که مجموع آن الفاظ را نیز اذان می گویند» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۶۱۲).

«الفاظ مخصوصی به زبان عربی که پیش از نماز برای دعوت مسلمانان به برپایی نماز خوانده می شود» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۰۵).

«در اسلام کلمات مخصوصی که برای خواندن مؤمنان به نماز توسط مؤذن به بانگ بلند ادا می شود را اذان می گویند» (مصاحب، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۸).

و در اصطلاح هم اذان «یک حرکت معنوی و سیر روحانی است که با کبریایی خدا آغاز و به همان خاتمه می یابد منادی انسان به سوی عبادت و بندگی خدا، تلقین شهادت به وحدانیت وی، بیانگر توحید، امامت، نبوت، از بزرگ ترین و جذاب ترین شعائر الهی و حالت توجه و آمادگی برای نماز گزار است» (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۹).

ب. اذان در شرع مقدس اسلام

در شرع مقدس اسلام دو نوع اذان تعریف شده است: الف) اذان اعلام ب) اذان نماز

الف) منظور از اذان اعلام، همان اذانی است که مؤذن با داخل شدن وقت نماز سر می دهد تا بدین وسیله مسلمانان که درگیر مشاغل و اعمال روزانه هستند، متوجه زمان اقامه نماز شده و برای راز و نیاز با معبود، روح و جان خویش را آماده نمایند.

ب) منظور همان اذانی است که هر شخص قبل از آغاز نماز خویش قرائت می کند. این اذان جزو مستحبات و مقدمات نماز بوده و معنویت خاصی به نمازگزار که با طهارت و توجه قلب در جایگاه عبادت قرار گرفته، می بخشد (همان، صص ۷۸-۷۹).

۲. تاریخچه و فلسفه تشریع اذان

الف. تاریخچه تشریع اذان

در پاره ای از روایاتی که از طریق اهل سنت نقل شده، مطالب عجیبی در این مورد دیده می شود که با منطق اسلامی سازگار نیست. از جمله این که نقل کرده اند: پیامبر ﷺ به درخواست اصحاب مبنی بر این که نشانه ای برای اعلام وقت نماز قرار داده شود، با دوستان خود مشورت کردند، هر کدام نظری مطرح نمودند از قبیل برافراشتن پرچم مخصوص، روشن کردن آتش، زدن ناقوس، ولی پیامبر ﷺ هیچ کدام را نپذیرفتند تا این که عبدالله بن زید و عمر بن خطاب در خواب دیدند که شخصی به آنان دستور می دهد برای اعلام وقت نماز اذان بگویند و آن گاه آن را به آن دو آموزش داد و بعد پیامبر ﷺ نیز پذیرفت.

اما شیعه امامیه طبق روایات فراوان اهل بیت ﷺ اتفاق دارند که اذان و اقامه از متن دین و شعائر آن است و خدای متعال آن را در سال اول هجری بر پیامبر ﷺ نازل فرمود و در تشریع آن هیچ انسانی نه در بیداری و نه در خواب مشارکت نداشته و در تمام فصول آن نشانه های خدا، معنا و ضخامت محتوا دیده می شود و انسان را به سوی مفاهیم

برتر از آنچه در اندیشه بشری است، سوق می‌دهد و اگر دست تشریع بشری بخواهد بخشی به آن بیفزاید یا جمله‌ای را با جمل دیگر ترکیب کند همچون ریگ در میان درّ و گوهر شناخته می‌شود.

از این رو در مکتب اهل بیت و شیعه، مشرع اذان تنها خداوند سبحان است و جبرئیل امین آن را فرود آورده و به رسول خدا ﷺ آموخته آن حضرت نیز به بلال (اولین مؤذن اسلام) تعلیم داده است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۳۸-۴۳۹؛ به نقل از تفسیر قرآن طبری؛ کمپانی، بی‌تا، ص ۱۰۰). در ادامه به برخی از روایات گواه این مطلب اشاره می‌نماییم:

۱. کلینی با سند صحیح از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «چون رسول خدا ﷺ را در شب معراج به آسمان بردند و به بیت المعمور رسید و وقت نماز شد، جبرئیل اذان و اقامه گفت: پیامبر ﷺ جلو ایستاد و فرشتگان و پیامبران دیگر پشت سر حضرت صف بستند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۰۲)

۲. و نیز با سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «چون جبرئیل اذان را بر رسول خدا ﷺ فرود آورد سر آن حضرت در دامان علی علیه السلام بود. جبرئیل اذان و اقامه را گفت. چون پیامبر بیدار شد به علی علیه السلام فرمود: آیا شنیدی؟ حضرت پاسخ داد: آری. دوباره فرمود: آیا حفظ کردی؟ فرمود: آری. پیامبر ﷺ فرمود: بلال را صدا کن، علی علیه السلام بلال را خواست و پیامبر به او آموخت» (همان).

حتی برخی از دانشمندان اهل سنت هم این مطلب را به نقل از ائمه طاهرين علیه السلام در کتب خود آورده‌اند. از جمله: حاکم ابوسفیان اللیل نقل کرده است: «قضایای حسن بن علی علیه السلام پیش آمد در مدینه خدمت او رسیدیم سخن از اذان در میان آمد، بعضی از ما گفتند: آغاز اذان در پی خوابی بود که عبد الله بن زید دید. حسن بن علی علیه السلام فرمود: جایگاه اذان والاتر از این است. جبرئیل در آسمان جملات اذان را دو بار گفت و به پیامبر خدا ﷺ آموخت» (ر.ک: مستدرک حاکم، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۷۱).

ب. فلسفه تشریع اذان

در خصوص علل تشریع و نزول اذان از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم که فرمودند: خداوند اذان را به خاطر علل بسیار دستور داده آن گاه مفاهیم زیر را به عنوان فلسفه اذان ذکر نمودند:

۱. یادآوری مردم و بیدار باشی غافلان

۲. اعلام وقت نماز

۳. دعوت مردم به سوی پرستش خدا و تشویق آن‌ها برای عبادت

۴. اقرار به یکتایی خدا

۵. جهاد در راه خدا

۶. آشکار نمودن اسلام و... (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۲۴).

در روایت دیگر آمده که از رسول اکرم ﷺ سؤال کردند: «چرا قبل از نماز اذان و اقامه مستحب است ولی در مورد عبادات دیگر این چنین نیست؟ حضرت فرمود: به خاطر این که نماز شبیه حالات مختلف انسان در قیامت است اذان به نفخه اول شباهت دارد که با نفخه اول (دمیدن اسرافیل در صور) همه مردم می‌میرند و از همین جاست که نشستن و سجده کردن بعد از اذان مستحب است (سجده اشاره به مرگ و بازگشت انسان به خاک و زمین است) و اقامه نماز، شبیه نفخه دوم است که با دمیدن اسرافیل در صور مرتبه دوم، اموات زنده می‌شوند. خداوند متعال فرمود: «وَاسْتَمِعْ يَوْمَ

يُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ» (ق/ ۴۱)؛ گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می‌دهد (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۲۴).

۳. ضرورت و اهمیت اذان

الف. ضرورت عقلی

در هر ملت و عصر و دوره‌ای جهت تحریک افراد به انجام وظایف فردی، اجتماعی و مذهبی وسیله و شعاری وجود داشته و هم اکنون هم وجود دارد. به عنوان مثال مسیحیان برای اعلام مراسم مذهبی و دعوت پیروان خود برای شرکت در کلیسا از صدای ناموزون ناقوس استفاده می‌کنند. در اسلام هم از شعار پر جاذبه، شیوا و پر مفهوم اذان استفاده می‌شود که هم اعلام فرا رسیدن وقت نماز و صدور اذان و اجازه خداوندی برای راز و نیاز و گفتگوی با او در قالب نماز است و هم وسیله‌ای برای تشویق و تحریک مسلمین به منظور انجام فرایض در ابتدای وقت در بهترین مکان که همان مسجد می‌باشد. در حقیقت با اذان هم اعتلا و شکوه و سروری اسلام بر دیگر ادیان معرفی می‌شود هم اهمیت نماز و لزوم برپایی آن به بهترین شیوه ممکن یعنی جماعت. همچنین می‌توان گفت اذان مقدمه و زمینه‌ساز ایجاد شرایط و آمادگی روحی و قلبی لازم در فرد برای ایستادن به نماز است. با توجه به این مفاهیم و محتوای اذان، قلب، خونی آمیخته با اشتیاق و شغفی خاص برای حضور در نماز و عروج به ملکوت و اتصال با مبدء خیرات و کمالات پیدا می‌کند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۴۳۷).

ب. ضرورت نقلی

از دیدگاه آیات

در قرآن کریم دو گونه آیات بیانگر اهمیت اذان و نقش مؤثر آن در ترغیب به نماز خوانی هستند: یک قسم آیاتی که به طور مستقیم در خصوص اذان می‌باشد و قسم دیگر آیاتی که به طور مستقیم جایگاه اذان را بازگو می‌کنند یعنی حاوی واژه‌های علمی هستند و شمول و فراگیری آن‌ها شامل اذان نیز می‌شود به بیان واضح‌تر یکی از مصادیق بارز آن‌هاست. در ذیل به معرفی هر دو قسم می‌پردازیم.

۱. آیات قسم اول

«وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (مائده/ ۵۸)؛ و هنگامی که بانگ برآید برای نماز آن را به بازیچه و مسخره می‌گیرند این بدان علت است که ایشان نابخرد هستند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (جمعه/ ۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه بانگ داده شود برای نماز از روز جمعه پس بشتابید به سوی یاد خدا و رها کنید سوداگری را این بهتر است برای شما اگر بدانید.

به تصریح اهل لغت «نُودِيَ» از ماده «ندا» به معنای «فراخواندن» و «اعلان کردن» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۲۳۹۳؛ بندری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۱۸۶) و «نُودِيَ لِلصَّلَاةِ» یعنی فرا خواندن به نماز که منظور همان اذان است زیرا در اسلام ندایی برای نماز جز اذان نداریم.

۲. آیات قسم دوم

«ذلک وَ مَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج/ ۳۲)؛ آری هر که بزرگ شمارد شعارهای خدا را همانا آن از پرهیزگاری دل‌هاست.

اذان یکی از شعائر الهی و علائم دین مقدس اسلام و از نشانه‌های بارز مسلمانی است - «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت/ ۳۳)؛ چه کسی نیکو سخن‌تر است از کسی که دعوت به سوی خدا کند و عمل نیک انجام دهد و بگوید منم از اسلام آورندگان. پر واضح است که یکی از مصادیق بارز «دعوت به سوی خدا» اذان است که از منظر قرآن سخنی نیک بوده و مؤذنین هم مورد تحسین خداوند می‌باشند. همچنین در یک نگاه دقیق‌تر می‌توان اذان را از مصادیق «ذکر الهی و امر به معروف و نهی از منکر» دانست که در قرآن کریم به آن اشاره شده از جمله:

«... وَ اذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ...» (بقره/ ۱۹۸)؛ ... یاد کنید او را بدان سان که شما را رهبری کرد... .

در اذان هم انسان خداوند را به یگانگی یاد می‌کند: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّه يُدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران/ ۱۰۴)؛ و باید باشند از شما گروهی که دعوت به نیکی نمایند و امر به خوبی کرده و از زشتی باز دارند... . در اسلام اذان وسیله‌ای برای دعوت به نماز است که بهترین خوبی‌هاست.

از دیدگاه روایات

در منابع روایی روایات فراوان و متعددی دال بر اهمیت و جایگاه ارزشی اذان وجود دارد که به مواردی اشاره می‌نمایم.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ! الْآذَانُ نُورٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۱، ص ۱۵۴).

قال علی علیه السلام: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِلْمُؤَذِّنِ فِيمَا بَيْنَ الْآذَانِ وَالْإِقَامَةِ مِثْلُ أَجْرِ الشَّهِيدِ الْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُمْ يَخْتَارُونَ الْآذَانَ وَالْإِقَامَةَ؟ فَقَالَ: كُلًّا إِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَطْرَحُونَ الْآذَانَ عَلَى ضُعْفَائِهِمْ فِتْلِكَ لِحُومٍ حَرَّمَهَا اللَّهُ عَلَى النَّارِ» (صدوق، ۱۳۸۴، ص ۶۸)؛ رسول خدا ﷺ فرمود: برای مؤذن در میان اذان و اقامه پاداشی است مانند پاداش شهیدی که در راه خدا در خون خود می‌غلطد. گفتم: ای پیامبر خدا اکنون مردم برای گفتن اذان و اقامه بر یکدیگر سبقت خواهند گرفت. پیامبر ﷺ فرمود: چنین نیست. زمانی خواهد آمد که مردم اذان و اقامه را بر ضعیفان خود واگذار می‌کنند آن‌گاه خداوند گوشت بدن این‌ها (ضعیفان را) بر آتش دوزخ حرام خواهد کرد.

مُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ می‌گوید: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مَنْ صَلَّى بِآذَانٍ وَإِقَامَةٍ صَلَّى خَلْفَهُ صَفَانِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَمَنْ صَلَّى بِإِقَامَةٍ بَغَيْرِ صَلَاةٍ خَلْفَهُ صَفٌّ وَاحِدٌ فَقُلْتُ لَهُ: وَكَمْ مِقْدَارُ كُلِّ صَفٍّ؟ قَالَ: أَقْلُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَأَكْثَرُهُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (همان)؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس با اذان اقامه به نماز بایستد دو صف از فرشتگان پشت سرش نماز می‌گزارد و هر کس با اقامه تنها بدون اذان نماز بگذارد یک صف از فرشتگان پشت سرش نماز می‌گزارند [مُفَضَّلُ]

می‌گوید [گفتم: اندازه هر صف چقدر است؟ فرمود: کمترین مقدار آن فاصله میان شرق و غرب است و بیشترین مقدارش فاصله میان آسمان و زمین].

علی علیه السلام می‌فرماید: «يُحْشَرُ الْمُؤَذِّنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طَوَالَ الْأَعْنَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۱، ص ۱۴۹)؛ اذان گویان در روز قیامت با سرافرازی و سربلندی محشور می‌شوند.

۳. سیره معصومین علیهم السلام

مطالعه سبک و سیاق زندگی معصومین این حقیقت را روشن می‌کند که این بزرگواران اهمیت خاصی به رعایت شرایط فرائض دینی و اذکار الهی از جمله نماز و اذان قائل بوده‌اند از باب نمونه به دو مورد اشاره می‌نمایم. در جریان شهادت حضرت علی علیه السلام در بعضی از منابع می‌خوانیم که حضرت به مسجد رفته بعد از ساعتی ذکر و نماز و دعا به هنگام دخول وقت فریضه صبح، به بالای مأذنه رفته و دو انگشت سبابه خود را در گوش‌ها گذاشته و تنحنح کرده و آن‌گاه اذان گفتند. صدای اذان آن بزرگ‌مرد چنان بود که در کوفه خانه‌ای نمی‌ماند مگر این که صدای رسای اذان حضرت به آن‌جا می‌رسید (عزیزی، ۱۳۸۱، صص ۱۸-۱۹).

و نیز روایت شده در ظهر عاشورا بعد از پیوستن حر به امام حسین علیه السلام، حضرت مؤذن خصوصی خودش به نام «حجاج بن مسروق» را امر کردند تا اذان بگوید آن‌گاه به نماز ایستادند لشکر امام و نیز لشکر حر به آن حضرت اقتدا نمودند (همان).

آری امام علی علیه السلام حتی در شب شهادت خویش با وجود علم به شهادت باز اذان را ترک نکرد و نه تنها اذان نماز، بلکه اذان اعلام را هم سر داد. همچنین امام حسین علیه السلام با دستور به مؤذن خویش به گفتن اذان، اهمیت این مهم را حتی در سخت‌ترین شرایط زندگی یاد آور شد.

۴. زیبایی‌های اذان

الف. زیبایی‌های معنوی اذان

در باب تفسیر معانی اذان روایات متعددی از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده که ما در این‌جا تنها به اختصار براساس محتوا و مضمون یک روایت از امام علی علیه السلام، توضیحاتی را ارائه می‌دهیم و به دلیل طولانی بودن متن روایت از ذکر آن خودداری می‌کنیم (برای مطالعه اصل روایت مراجعه شود، سید بن طاووس حسینی، فلاح السائل، مترجم: م. ر. قم، انصاری، چهارم ۱۳۸۵، صص ۲۶۶-۲۶۳).

- براساس فرموده امام علی علیه السلام، «الله اکبر» در اذان معانی فراوانی دارد از جمله:

معنای اول: خداوند اول، پیش از هر چیز ازلی و آخر و بعد از هر چیز و ابدی است و نمی‌توان او را درک نمود. معنای دوم: خداوند دانای کاردان و آگاه به هر چیزی که پدید آمده و می‌آید بوده و از قبل از پیدایش به آن آگاه بوده است.

معنای سوم: خداوند قادر و به مخلوقات مقتدر است و قدرتش بر تمام اشیا استوار می‌باشد و هر گاه چیزی را اراده نماید آن چیز بی‌درنگ موجود می‌شود.

معنای چهارم: خداوند آن چنان حلیم و بردبار است که گویی از گناه بنده آگاهی ندارد و آن چنان عفو و گذشت می کند که گویی بنده گناهی انجام نداده و از روی کرم در عقوبت شتاب نمی کند.

معنای پنجم: خداوند بخشنده و بسیار عطا کننده و افعالش بزرگوارانه و با کرامت است.
معنای ششم: خداوند بزرگ تر و منزّه از آن است که توصیف کنندگان اندازه اوصافی را که بدان متّصف است، در کک نمایند و افرادی که او را می ستایند، تنها به اندازه درک خویش می ستایند؛ نه به اندازه عظمت و جلالی که دارد.
- در معنای شهادت به وحدانیت خداوند «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

در مرتبه اول، مؤذن اقرار می کند که آگاهی دارم که معبودی جز خداوند عزّوجلّ نیست و هیچ پناهگاهی برای گریز از خداوند، جز به سوی او و راه نجات از شرّ هیچ بدّرسان و فتنه هیچ آسیب رسانی جز به سوی خداوند وجود ندارد.

در مرتبه دوم، گواهی می دهد که راهنمایی جز خدا نیست و کل کائنات را گواه می گیرد که خلق و امر در جهان تنها از اوست و همه خیر و خوبی منحصر به اوست.
- معنای «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

در مرتبه اول، مؤذن گواهی می دهد که محمد ﷺ بنده و فرستاده خداست که او را همراه با هدایت خود و دین و آیین حق به سوی همه مردم فرستاد تا دین او را بر تمام ادیان غالب گرداند هر چند مشرکان را خوش نیاید و کل هستی را گواه می گیرد که محمد ﷺ سرور اولین و آخرین پیامبران است.
در مرتبه دوم، گواهی می دهد که خداوند حضرت رسول ﷺ را به عنوان بشارت دهنده مؤمنان و بیم دهنده کافران به اذن خود به سوی آنان فرستاد. پس هر کس پیامبری او را انکار نمود و نپذیرفت، او را وارد آتش جهنم می کند در حالی که جاودانه در آن جا بوده و هیچ گاه از آن جا به جای دیگری منتقل نخواهد شد.
معنای «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ»

در بار اول مؤذن می گوید: بیایید به سوی بهترین کارهایتان (که نماز است) بشتابید به سوی آموزش پروردگارتان و خاموش کردن آتشی که به واسطه گناهانتان افروخته اید و آزاد کردن خود از گرد گناهانتان تا خداوند بدی هایتان را پوشیده و به نیکی تبدیل نماید که فرمانروای با کرامت است و به ما مسلمانان اجازه داده تا در خدمت و بندگی و در محضرش وارد شویم.

بار دوم تأکید می کند که بپاخیزید به سوی مناجات با پروردگار و با کلام او به او توسّل جوئید و آن را واسطه بین خود و او قرار دهید و بسیار به یاد او قنوت، رکوع، سجود، خشوع و خضوع نمائید و حوائج خود را به درگاه او ببرید که خود اجازه این کار را به شما داده است.

- معنای «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ»

در بار اول، مؤذن می گوید: رو آورید به سوی پایداری که فنا و نیستی در آن نیست؛ به سوی نوری که هیچ تاریکی و تنگی در آن راه ندارد و به سوی برافروختگی و شادمانی که پایان پذیر نیست و به سوی توانگری که هیچ نیازی به دیگران در آن نیست.

و در بار دوم، تأکید می‌کند که از یکدیگر پیشی گیرید به سوی آن‌چه شما را به آن دعوت کردم؛ به سوی کرامت افزون و نعمت بلند پایه و رستگاری بزرگ در جوار حضرت رسول ﷺ در مقام صدق و راستی نزد خداوندی که فروانروای مقتدر و تواناست.

- «الله أكبر»

در مرتبه اول، یعنی خداوند بالاتر و بلندتر از آن است که احدی از مخلوقاتش از کرامتی که برای بنده‌اش مهیا نموده آگاه باشد آن بنده‌ای که از او اطاعت کرده او را شناخته، به یاری‌اش مشغول شده، بر او اعتماد کرده و به او مشتاق و از او خائف بوده و به حکم و قضای او راضی بوده است.

در بار دوم، تأکیدی بر این که او بزرگ‌تر است از این که احدی اندازه کرامت او نسبت به دوستان و عقوبت وی نسبت به دشمنانش و افرادی که او را انکار کرده‌اند را بداند.

- «لا إله إلا الله»

یعنی به واسطه فرستادن رسول ﷺ و رسالت، روشنگری و دعوت او حجت رسای الهی بر مردم تمام شده و او بزرگ‌تر از آن است که احدی بر او حجت داشته باشد پس هر کس او را بپذیرد و به او روی آورد به رستگاری رسیده و هر کس انکارش نماید به راستی خداوند از همه عالمیان بی‌نیاز و سریع‌ترین حسابرس‌ها می‌باشد.

راوی این روایت از سوی تقیه «حیّ علی خیر العمل» را ذکر ننموده است (همان).

اما در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: «خیر العمل همان ولایت است» (شیخ صدوق، ص ۲۴۱، روایت ۲) و در روایت دیگری فرمود: «بهترین عمل نیکی کردن به حضرت فاطمه و فرزندان او علیهم‌السلام می‌باشد» (همان).

از مطالعه و بررسی مفهومی روایات اذان این گونه استنباط می‌کنیم که به طور کلی درس‌ها و آموزه‌های اذان در چند فصل قابل طبقه‌بندی است:

الف) توحید و خداشناسی «الله اکبر أشهد أن لا إله إلا الله»

ب) نبوت و پیامبرشناسی «أشهد أن محمداً رسول الله»

ج) ولایت و امام‌شناسی «أشهد أن علياً ولي الله»

د) نمازشناسی «حیّ علی الصلوة»

ه) تلازم ایمان و عمل صالح رمز سعادت ابدی «حیّ علی الفلاح»

و) معاد و مرگ‌شناسی «الله أكبر ابتدا و لا إله إلا الله پایانی»

اذان رساترین شعار مسلمانی و گویای مفاهیم بلند اعتقادی است که به الوهیت و وحدانیت خداوندی، بندگی و رسالت حضرت رسول ﷺ و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام صحه می‌گذارد و گویای این حقیقت مهم است که همه این اقرارها و گواهی دادن‌ها از یک طرف، لازمه عقلی - شرعی قبولی نماز به طور اخص و پذیرش هر عمل نیک دیگری به طور اعم می‌باشد و از طرف دیگر خود به نمود و جلوه عملی نیاز دارد. یعنی باید اثرات این اعتقادات و اعترافات قلبی در عمل و رفتار انسان موحد خدا ترس نمایان شود. به عبارت دیگر همان لزوم همراهی ایمان و عمل صالح و یقین قلبی، التزام عملی دارد و رمز سعادت و نجات نهایی فرد وجود توأمان این دو در برنامه زندگی وی می‌باشد. حال بارزترین جلوه و مصداق عمل صالح و رکن رکن اسلام، نماز است. نمازی که اگر با آداب و شرایطش باشد، عامل

عروج فرد به فضای قدس و معنویت، رهایی وی از قیود دنیوی و مادی پرستی و سرانجام سعادت و نیک بختی وی در دنیا و آخرت می‌باشد و از شرایط مهم این عامل سعادت، احترام و دوستی اهل بیت علیهم‌السلام و قبول داشتن ولایت و رهبری آن‌هاست. چرا که تولی و تبری در متن دین از لوازم و نشانه‌های تشیع است.

در قرآن کریم خطاب به حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/۲۳)؛ بگو نخواهم از شما مزدی بر آن جز دوستی درباره نزدیکان... .

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم دوستی اهل بیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مزد رسالت وی معرفی شده است.

و نیز در متن ادعیه به خصوص زیارت جامعه کبیره می‌بینیم لزوم و اهمیت این همراهی (دوستی اهل بیت علیهم‌السلام) و دشمنی با دشمنان آن‌ها) به وضوح و تکرار مشاهده می‌شود.

«فَالرَّائِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ... مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ...» (فرازیابی از زیارت جامعه کبیره)

«هر کس از طریق شما برگشت از دین خدا خارج شده و هر کس ملازم امر شما بود ملحق (دین خدا) گشت و هر کس در حق شما کوتاهی کرد محو و باطل گردید و حق با شما و در خاندان شما و مبدأش شما و مرجعش به سوی شماست... هر کس شما را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر کس شما را نافرمانی کند معصیت خدا را کرده و کسی که شما را دوست بدارد خدا را دوست داشته و هر کس با شما خشم ورزد با خدا خشم ورزیده است...»

در نهایت، جملات پایانی نماز را می‌توان از طریق گویای عرفانی و سیر معنوی بندگان در زندگی جهت رسیدن به هدف غایی آفرینش (قرب حق) دانست. سیر من الله الی الله که خود بحثی عرفانی است و از حوصله این نوشتار، خارج. هم‌چنین این جملات به طور تلویحی و غیر مستقیم ترسیم‌گر حرکت و سفر پایانی همه انسان‌ها به سوی خدا یعنی ترسیم مرگ و تعریف مختصری از آن این قانون زندگی و سنت الهی است که همه کس و همه چیز فانی و نابود شوند و آنچه پاینده و باقی است، خداست: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (عنکبوت/۵۷)؛ و مرگ هم یعنی «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶)؛ همانا همه از خدایم و به سوی او باز خواهیم گشت.

جملات پایانی اذان این حقیقت را یادآور می‌شوند که ای بندگان خدا! آگاه باشید! زمان شما محدود و عمر شما تمام شدنی است و همه به سوی مرگ و خدا در حرکتید به سمت مبدأ جهان باز خواهید گشت مبدئی که بی‌نیاز مطلق، علیم ازلی، قدیر ابدی و... است پس تا فرصت دارید تلاش کنید چنان معاش نمائید که در نهایت توشه‌ای از ایمان راستین و اعمال شایسته جهت سفر طولانی و پر خوف و خطر و عرضه در پیشگاه عدل الهی فراهم داشته باشید و در آخرین لحظات زندگی هم، زبان شما به راحتی گویای عقاید حق‌تان باشد و خدای ناخواسته بدون قدرت تکلم و ادای شهادتین از دنیا نروید.

در خصوص رمز تکرار عبارات اذان هم به نظر می‌رسد تکرار هر عبارت علاوه بر این که نشانگر اهمیت مطلب و لزوم توجه بیشتر مؤذن و مخاطبین به مفاهیم اذان است، فواید زیادی هم دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به بیدارسازی غافلان، تذکار و آگاهانیدن فراموش کاران، تهدید و اتمام حجت با کافران و معاندان و بشارت به صابران و مؤمنان اشاره نمود و این تکرارها نه تنها آسیب و لطمه‌ای به زیبایی اذان نمی‌زنند، بلکه آن را دو چندان و مفهوم آن را روشن تر

نیز می‌سازند. همان‌گونه که ذکر مکرر آیه (قَبَائِلُ الْاِیْمَانِ رَبُّکُمْ تَوَكَّدُ بَانَ) در سورة الرحمن، اهداف و نکات خاص خویش را در هر مرتبه دنبال می‌کند و با وجود همه این مکرر گفتن‌ها، باز این سوره در نهایت زیبایی بوده و به عروس قرآن کریم معروف می‌باشد.

به راستی هر صاحب خردی در می‌یابد که اذان درسی کامل و معلمی بی‌نظیر است؛ هم جهان‌بینی و نظام شناختی و عقیدتی فرد را پایه‌ریزی و اصلاح می‌نماید و هم نظام رفتار و الگوهای عملی وی را تنظیم و معرفی می‌نماید. به فرد هدف و جهت می‌بخشد. او را از پوچی انگاری و ناامیدی رهاکنده و به قبله حاجات و پناه بی‌پناهان متوجه و متمایل می‌سازد و به علت آثار عمیق و فوق‌العاده‌اش است که وقتی کودک متولد می‌شود، آن را در گوش راست وی نجوا می‌کنند و در گوش چپ وی هم اقامه را؛ تا از همان نخستین ساعات تولد روح و جان مولود با این تعالیم آشنا شود و همین القائات، پشتوانه‌ای برای هدایت و بصیرت او در زندگی باشد تا اگر به هر دلیلی از سیر مستقیم منحرف شد باز به خاطر همین تلقینات اولیه امیدی برای بازگشت به اصل و توبه و استغفار وی هر چند هم ضعیف، وجود داشته باشد. در وصایای حضرت رسول ﷺ به امام علی (ع) آمده:

«یا علی! إِذَا وَلَدَکَ غُلَامٌ أَوْ جَارِیَةً فَادِّنْ فِی اذْنِهِ الِیْمَنِ وَ اَقِمْ فِی الِیْسْرِ فَإِنَّهُ لَا یَضُرُّهُ الشَّیْطَانُ أَبَدًا» (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۳۴)؛ یا علی! هر گاه فرزند پسر و یا دختری برایت متولد شد در گوش راست وی اذان و در گوش چپش اقامه بگو که شیطان هرگز به او زیان وارد نخواهد ساخت.

ب. زیبایی‌های زمانی - مکانی اذان

در این قسمت چهار مطلب قابل بحث و مذاقه است که به طور خلاصه توضیحاتی ارائه می‌شود*.

(۱) اهمیت زمان و مکان در فرهنگ عبادی

(۲) رابطه بین زمان و مکان با اذان

(۳) آموزه‌های زمانی اذان

(۴) آموزه‌های مکانی اذان

۱. اهمیت زمان و مکان در فرهنگ عبادی

در فرهنگ دینی در رابطه و اتصال انسان با خدا، کیفیت و عوامل مؤثر در برقراری و اثر بخشی این رابطه به دو عنصر زمان و مکان توجه خاصی شده است. به طوری که خداوند در قرآن کریم در بسیاری موارد به اوقات و مکان‌هایی خاص قسم یاد نموده و بندگان را به عبادت در آن‌ها متوجه نموده است. از قبیل:

«وَالْعَصْرِ ...» (عصر/۱)، «وَالصُّبْحِ ...» (تکویر/۱۸)، «وَالْفَجْرِ ...» (فجر/۱)؛ «وَالطُّورِ سِنِينَ وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ...» (تین/۲ و ۳) «... وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلِ الْغُرُوبِ وَ مِنْ اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ وَ آدْبَارَ السُّجُودِ» (ق/۳۹ و ۴۰)؛ «... تسبیح گوی به سپاس پروردگار خویش، پیش از برآمدن خورشید و پیش از فرورفتن آن و در پاسی از شب پس تسبیح گوی او را از پس سجده‌ها.

*. لازم به ذکر است این تقسیم‌بندی‌ها تنها براساس برداشت‌ها و فهم نویسنده از مفهوم اذان است و فقط برای استناد سازی از آیات و متون روایی استفاده شده است.

«... و لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج/ ۲۹)؛ ... و باید طواف کنند گرد خانه کهن.

که به بیانی گویای این مطلب است که ای بندگان من! من این لحظات و مکان‌ها را برگزیده‌ام پس برای بهره‌مندی بیشتر از رحمت و فیوض خاصه من و جلب رضایت و خشنودی‌ام، از این باب‌ها وارد شوید و به سوی من آیید. در لحظات و ایامی چون اوقات نماز، ماه رمضان، شب‌های قدر، شب‌های جمعه، سحرگاهان و... و اماکنی چون مساجد، حرم ائمه طاهرين (علیهم‌السلام)، مسجد الحرام و...

البته در اسرار و آثار تقدس بعضی از زمان و مکان‌ها آنچه بیشتر از همه جلوه گر بوده و با عقل عادی بشر قابل فهم است، همان باز بودن درهای رحمت الهی و نزول برکات و توجهات خاصه خداوندی در پذیرش دعای بندگان است. در حدیثی از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌خوانیم که فرمود: «آن گاه که مؤذن اذان می‌گوید، درهای آسمان گشوده می‌شود و دعا مستجاب می‌گردد و هنگامی که وقت گفتن اقامه فرا می‌رسد هیچ دعایی رد نمی‌شود» (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۲۹).

علاوه بر مطلب فوق آنچه که رغبت و همت مؤمن خداپرست را در توجه به زمان و مکان در عبادت بیشتر می‌کند، مسئله بهره‌گیری از شفاعت و شهادت این دو در روز قیامت است. زیرا زمان و مکان و سایر اشیاء غیر از حیوانات هر چند در این دنیا حیات و شعوری ندارند اما در عوالم دیگری که جلوتر از این عالم ایجاد شده‌اند از قبیل عالم برزخ، قیامت و مکاشفات اهل کشف و شهود، دارای مراتبی از وجود، شعور، حبّ و بغض و حتی قدرت نطق و بیان می‌باشند. به طور کلی همه موجودات در هر عالمی صورت‌ها و احکام مخصوص به همان عالم را دارند که با صور و احکام عالم دیگر متفاوت است و از خواص عالم آخرت نیز دار زندگی بودن آن است:

«إِنَّ دَارَ الْآخِرَةِ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت/ ۶۴)؛ همانا سرای آخرت دار زندگانی است اگر می‌دانستند.

علاوه بر آیات و روایات موجود که دال بر حیات و شعور زمان و مکان و اشیاء در عوالم بالا هستند می‌توان به مواردی که در همین دنیا به صورت اعجاز صورت گرفته و پرده از ملکوت اشیاء برداشته، اشاره نمود از قبیل: تکلم سنگریزه در دستان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، زنده شدن عصای موسی (علیه‌السلام) و مرغ عیسی (علیه‌السلام) و همچنین به مواردی که توصیه به سلام و وداع با بعضی زمان‌ها و مکان‌ها شده است. مواردی از قبیل: سلام و وداع با ماه رمضان و یا سلام و وداع با مدینه النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، چرا که خطاب قرار گرفتن شیء بی‌روح مطلق در سلام و خداحافظی قبیح و بی‌مفهوم است.

پس با این تفاسیر همه امور بی‌جان در قیامت جان گرفته و به سخن خواهند آمد خاصه زمین و محل‌هایی که بنده در آن‌ها خدا را یاد نموده و لحظاتی که در آن‌ها به عبادت حق مشغول بوده؛ همه به اذن و رضایت خداوند، به نفع یا علیه او شهادت داده و شفاعت خواهند نمود (خسروی، ۱۳۸۷، صص ۳-۳۲۰).

۲. رابطه زمان و مکان با اذان

زمان و مکان هر دو ظرفند و اذان، مظروف و در عین حال رابطه بین آن‌ها دو طرفه و تکاملی است؛ یعنی هم تقدس زمانی - مکانی بر ارزش و فضیلت اذان می‌افزاید و هم اذان به زمان و مکان خویش معنویت و ارزش می‌بخشد و هر سه، ارزشمندی ذاتی خویش را از جانب حق تعالی و به واسطه رحمت گسترده وی کسب کرده‌اند. پس می‌توان گفت: از حیث معنوی اولاً، اذان متأثر از زمان و مکان خویش است؛ زیرا قداست و معنویتی که اوقات شرعی و هنگامه‌های نماز برای نیایش با معبود و استعانت از قدرت بی‌کران او دارند در تعیین وقت اذان برای فراخوانی به این مهم دخیل بوده و همچنین پاکی و ارزش والایی که اماکن مذهبی خاصه مسجد در روی زمین دارد به گونه‌ای که می‌تواند انسان

عابد نمازگزار و با اخلاص را از فرش به عرش تعالی سوق داده و در سیر عروج وی به ملکوت سرعت بخشد، در اذان هم تأثیر گذاشته و باعث شده جهت جلب توجه بیشتر قلوب جذّابیت و اثر بخشی بیشتر اذان، آهنگ آن از فراز مناره‌های مساجد بر فضای شهر طنین‌انداز شود. ثانیاً اذان مؤثر بر زمان و مکان خویش است زیرا از آن حیث که اذان نوایی ملکوتی است و با هر آهنگ و موسیقی ساخته شده بشری متفاوت است، در هر زمان و مکانی که خوانده شود به آن تقدّس و شرافت ویژه بخشیده و به مخاطبین خویش هم حالتی عارفانه و ملکوتی می‌بخشد. خواه آن زمان و مکان در ذات خویش معنویت خاص داشته باشد یا نداشته باشد. درست مثل عطر خوش بویی که در هر ظرفی بریزید بوی خوش آن به ظرف سرایت کرده و حتّی تا مدت‌ها بعد از اتمام عطر ظرف همچنان معطر می‌ماند. پس اذان از آن جهت که نوری و قدسی است به هر چیزی که در رابطه با آن باشد، نورانیت می‌دهد؛ چه زمان، چه مکان، چه مؤذن و چه مستمعین همه در مراتبی از نور و معنویت قرار می‌گیرند و چه زیبا خداوند تناسب بین این ظرف و مظهر را برای رسیدن به هدف خویش رعایت نموده؛ هدفی که همان آماده سازی و ایجاد حسّ خوشایند در بندگان در رابطه و گفتگو با یگانه خالق جهان و ترغیب آن‌ها برای بهره‌گیری بهینه از اوقات و اماکن و توجه همه جانبه به اهمّیت و پیام‌های اذان جهت اصلاح و تکمیل عیوب عقیدتی و رفتاری خویش و صعود به درجات کمال می‌باشد (ر.ک: شریف تهرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

۳. آموزه‌های زمانی اذان

در دین اسلام به داخل شدن وقت نماز، اذان گفته می‌شود که از طرفی برای به یاد آوردن و اعلام وقت نماز است زیرا در گیرودار مسائل روزانه به یاد داشتن دقیق اوقات شرعی کار آسانی نیست و از طرفی دیگر فراخوانی و دعوت مردم برای شرکت در نمازهای جمعه و جماعت می‌باشد زیرا آیات و روایات زیادی در اهمّیت و توصیه به برگزاری صفوف جماعت وجود دارد از جمله:

«وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكُعُوا مَعَ الرَّكْعَيْنِ» (بقره/۴۳)؛ نماز را به پای دارید و زکات بدهید و همراه رکوع کنندگان رکوع نمایید (نماز جماعت به جای آورید).

و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«مَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَصَلَاةَ الْغَدَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فِي الْجَمَاعَةِ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ» (علیقی، ۱۳۷۵، به

نقل از امالی صدوق، ص ۲۷۰)؛ هر کس نماز مغرب و عشاء و صبح را در مسجد و به جماعت بخواند گویی تمام شب را به عبادت زنده نگاه داشته است.

اذان این آهنگ موزون و شعار انسان‌ساز که در اوقاتی خاص خوانده می‌شود، از حیث زمانی به طور مستقیم و غیرمستقیم آموزنده و یادآور دو مسئله مهم در زندگی بشر است:

اول: محدود بودن فرصت‌ها و پیشامد مرگ

توجه به این که در اذان واژه «حیّ» به معنی «بشتابید» معانی زیادی دارد که یکی از آن‌ها این است که ای شمایی که محدود به زمانید! بشتابید و زمان را دریابید! چرا که زمان در گذر است و اوقات عمر فانی و بی‌بازگشتند. هر آنچه از وقت شما فوت شد، دیگر به دستتان نمی‌آید. خوب بنگرید که چگونه آن را سپری می‌کنید آیا در سیر سعادت و کمال و یا خدای ناخواسته تباهی و زوال! چرا که روزی در پیشگاه حقّ مطلق باید پاسخگوی اوقات و کردار خویش باشید. آن‌گاه که مرگ این حقیقت زندگی شما را دریافت، دیگر نمی‌توانید به ذخیره اعمال صالح و توشه سازی آخرت

بپردازید. پس تا فرصت باقی است و از مزرعه دنیا روزی می‌خورید به طور احسن از نماز و اعمال صالح دیگر در جهت رسیدن به سعادت بهره‌گیرید تا در قیامت به حسرت و پشیمانی مبتلا نگردید و از هر گونه وحشت و بیمی در امن مانید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا» (طه/۱۲)؛ هر کس عمل کند به شایسته‌ها در حالی که مؤمن باشد پس نترسد از هیچ ستم و پایمال شدنی.

دوم: برنامه‌ریزی و نظم در امور

اذان که آماده باشی برای نماز است وقت، برنامه‌ریزی و نظم را تعلیم داده و متذکر می‌شود که چنان در گیر مسائل زندگی نشوید که قدرت تشخیص اهم و مهم را از سایر امور نداشته باشید و آن‌گاه باز مانده و به بی‌راهه بروید. ای بندگان خدا! نماز در رأس امور و عمود خیمه دین است که اوقات فضیلت آن هم مشخص است. بهوش باشید زندگی خویش را طوری تنظیم نمایید که بتوانید همه مسائل لازم خاصه نماز را جهت رستگاری و خوشبختی خویش در وقت مفید و شایسته آن‌ها، انجام دهید.

۴. آموزه‌های مکانی اذان

از لحاظ مکانی هم اذان شرایط ویژه دارد اول آن که مستحب است از جای بلند گفته شود. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «رسول خدا (ص) هنگامی که وقت نماز می‌شد به بلال می‌فرمود: بالای دیوار (مسجد) برو و اذان را با صدای بلند بگو» (ر.ک: عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۶۹) زیرا بلندی مکان به انتشار صوت در فضا کمک کرده و افراد زیادی قدرت شنیدن آن را خواهند داشت، دوم این که به سمت قبله باشد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «يَسْتَقْبِلُ الْمُؤَذِّنُ الْقِبْلَةَ فِي الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ» (همان، ص ۷۰)؛ مؤذن هنگام گفتن اذان و اقامه رو به قبله باشد.

از این که مستحب است اذان از فراز مناره و مأذنه‌های مسجد خوانده شود یک مطلب اساسی را می‌توان فهمید: اذان شعار اسلام است و اسلام هم اکمل و اتم همه ادیان بوده و تعلیم آن فوق تعلیم دیگر مذاهب و ادیان است پس شعار و نادای آن هم باید برتر از همه شعارها باشد و این برتری در همه جوانب و به حدی است که حتی موقعیت مکانی آن هم مقدس و فوق همه اماکن دیگر روی زمین است. یعنی از فراز بلندترین محل از بهترین و مقدس‌ترین مکان‌ها مثل مسجد خانه خدا. و از این که مستحب است شخص مؤذن در راستای قبله بایستد و اذان بگوید هم می‌توان دریافت تعالی و تقدس اذان مؤذن، وقتی به شخص تعالی و تقدس می‌بخشد که روح و جاننش هم همراه و همقدم با جسم او باشد. بدین معنا که در عبادت تمام حواس و توجه فرد باید به مفهوم و مقصد عبادت باشد تا بتواند رشد کرده و عروج گیرد چرا که اصالت انسان به روح است وقتی روح او را همراهی نکند جسم تنها هر چند در پاک‌ترین مکان و بالاترین نقطه ممکن هم باشد، باز نمی‌تواند موجب کمال، سعادت و تقرب فرد به ایزد منان گردد. پس وقتی توصیه شده جسم در راستای کعبه باشد به طریق اولی روح شخص هم باید در راستای خدای کعبه و خالق یکتا باشد تا زمینه اتصال به مبدأ و اثر بخشی عبادت فراهم آید.

ج. آداب و احکام در اذان

اذان هم مثل سایر عبادات، چه واجب و چه مستحب آداب و شرایط خاصّ خویش را دارد که توجّه و عمل به آنها ادب بندگی و شرط کمال عبادت است. در این جا به دلیل پرهیز از اطالۀ کلام به مواردی از آداب و احکام اذان اشاره می کنیم.

۱. مؤذّن باید با طهارت (وضو یا غسل) و به سمت قبله باشد.
۲. مؤذّن باید اذان و اقامه را با دو رکعت نماز یا چند قدم راه رفتن، نشستن، سجده کردن، ذکر گفتن و یا دعا و سکوت فاصله اندازد.
۳. خوب است افراد میان اذان و اقامه دعا کنند که رسول اکرم ﷺ می فرماید: «الدعا بین الاذان و الاقامه لا یرد» (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۷۱)؛ دعا بین اذان و اقامه رد نمی شود.
۴. مؤذّن از حرف زدن بین اذان و اقامه پرهیز کند.
۵. مؤذّن آخر فصول اذان و اقامه را جزم دهد و اذان را با تائی و به صورت ترتیل و اقامه را با سرعت و با بیم و اندوه بخواند.
- در حدیثی از امام صادق علیه السلام: «الاذان ترتیل و الاقامه حذر» (همان، ص ۷۳)؛ اذان را به صورت ترتیل و اقامه را به صورت بیم و اندوه بخوانید.
۶. مؤذّن دو انگشتش را هنگام اذان گفتن بر دو گوشش بگذارد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «من السنة اذا اذن الرجل أن يضع اصبعیه فی اذنیه» (همان، ص ۷۱)
۷. از آداب اذان آن است که مؤذّن دو انگشتش را هنگام اذان گفتن بر گوشش بگذارد.
۸. مؤذّن، فصیح، خوش صدا و رفیع الصوت باشد. زیرا صوت دلنشین مؤذّن از عوامل جذب و گرایش افراد به سمت دین و نماز می باشد. به فرمودۀ امام علی علیه السلام: «البؤذّن لکم أفصحکم» (بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۶۱)؛ اذان گوی شما باید فصیح ترین شما باشد.
۹. مؤذّن با تقوا باشد و از هوا و هوس پرستی و از گناهان مربوط به زبان (دروغ، غیبت و...) پاک باشد.
۱۰. مؤذّن آگاه به اوقات شرعی و وقت شناس باشد.
۱۱. افرادی که اذان را می شنوند لبیک گفته و الفاظ اذان را به امید ثواب تکرار نمایند.
- پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «به یهود و نصاری سلام کنید ولی به یهود و نصاری از امت سلام نکنید، و آن کسی است که اذان را بشنود و به نماز جماعت نرود» (ر.ک: دهقان، ۱۳۸۱، ص ۲۸، به نقل از: لئالی الاخبار، ج ۴، ص ۲۰۴)
۱۲. مؤذّن آگاه به اوقات شرعی و وقت شناس باشد.
۱۳. افرادی که اذان را می شنوند لبیک گفته و الفاظ اذان را به امید ثواب تکرار نمایند.
- پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «به یهود و نصاری سلام کنید ولی به یهود و نصاری از امت سلام نکنید، و آن کسی است که اذان را بشنود و به نماز جماعت نرود» (ر.ک: دهقان، ۱۳۸۱، ص ۲۸، به نقل از: لئالی الاخبار، ج ۴، ص ۲۰۴)

د. زیبایی های لفظی اذان

تکرار	عبارت عربی اذان	ترجمه اذان	فرقه
۴	الله اکبر	خدا بزرگ تر از آن است [که توصیف شود]*	شیعه و سنی
۲	اشهد أن لا إله إلا الله	گواهی می دهم خدایی جز خدای یگانه نیست	شیعه و سنی
۲	أشهد أن محمداً رسول الله	گواهی می دهم که محمد ﷺ فرستاده خداست	شیعه و سنی
۲	أشهد أن علياً ولي الله	گواهی می دهم که علی علیه السلام ولی خداست***	فقط شیعه
۲	حيَّ عَلَى الصَّلَاةِ	بشتاب بسوی نماز	شیعه و سنی
۲	حيَّ عَلَى فَلَاحِ	بشتاب بسوی رستگاری	شیعه و سنی
۲	الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ	نماز از خواب بهتر است***	فقط سنی
۲	حيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ	بشتاب به سوی بهترین کارها***	
۲	الله اكبر	خدا بزرگ تر از آن است [که توصیف شود]	شیعه و سنی
۲	لا اله إلا الله	خدایی جز خدای یگانه نیست	شیعه ۲ مرتبه / سنی ۱ مرتبه

توضیح خانه های ستاره دار جدول اذکار و الفاظ اذان:

* پیروان مذهب مالکی «الله اکبر» ابتدای اذان را به جای چهار بار تنها دو بار می گویند.

** عبارت «اشهد أن علياً ولي الله» که فقط شیعیان در اذان می خوانند با این حال شیعیان اذعان دارند که این جمله جزو اذان و اقامه نیست و خواندن آن نیز واجب نیست بلکه مستحب و مستحسن است (الخلاص، ج ۱، ص ۲۷۸؛ جواهر الکلام، ج ۹، ص ۸۱) گاه بعضی از شیعیان عبارت دیگری را نیز اضافه می کنند «اشهد ان مولانا امیر المؤمنین علیاً و ابناؤه المعصومین حُجَّجُ الله»؛ شهادت می دهم که امیر مؤمنان علی علیه السلام و فرزندان معصومش حجت های الهی هستند (در زمین). و یا «اشهد أن فاطمة بنت رسول الله عصمة الله الكبرى و حجة الله على الحجاج»، شهادت می دهم که فاطمه دختر رسول خدا، پاکدامن بزرگ خدا و حجت و دلیل خدا بر سایر حجج می باشد.

حال با توجه به این مسئله گاه اشکال و شبهاتی مطرح می شود که دو نمونه اشاره می نمایم.

اشکال اول: آیا طرح شهادت به ولایت حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیه السلام در اذان و اقامه و یا اذان های عمومی از موارد بدعت در دین نیست؟ چرا که هنگام نزول اذان و در زمان پیامبر اکرم ﷺ مطرح نبوده و حتی از ائمه شیعه هم احادیث زیادی موجود است که این مطلب را تأیید می کند از جمله حدیثی که از امام صادق علیه السلام در وسائل الشیعه شیخ حر عاملی در جلد چهارم کتاب الصلاة - ابواب اذان و اقامه باب ۱۹، ص ۶۴۴ حدیث نهم آمده و حضرت متن کامل اذان را بدون دو عبارت فوق ذکر کرده اند وانگهی اگر بنا باشد که به حضرت زهرا علیه السلام شهادت دهیم پس باید به تمام یازده تن امام دیگر هم شهادت دهیم؟ آیا این اضافه ها از موارد بدعت و تحریف اذان محسوب نمی شوند؟ (حسن زاده آملی، بی تا، ص ۳۲)

پاسخ اشکال اول:

ما شیعیان این شهادت را جزئی از فصول اذان و واجب در آن نمی‌دانیم بلکه به عنوان جزئی از ایمان و به نیت جواز و رجاء برای قبولی می‌گوییم اگر به عنوان جزئی از اجزاء و به نیت وجوب در اذان باشد، بدعت در دین محسوب می‌شود. ما اهل تشیع براساس روایات فراوانی که هم شیعه و هم اهل سنت - به خصوص اهل سنت - در یکی از صحاح سته از ام سلمه از جناب رسول الله ﷺ نقل کرده‌اند شهادت و اقرار به ولایت امیر المؤمنین ﷺ را جزئی از ایمان می‌دانیم. لذا اهل تسنن را که در اذان و غیر آن به رسالت حضرت رسول الله ﷺ شهادت می‌دهند ولی شهادت به ولایت حضرت علی ﷺ را قبول ندارند تنها به عنوان مسلمان می‌شناسیم نه مؤمن چون به جزئی از ایمان اقرار نکرده‌اند و مصداق آیه کریمه زیر هستند.

«أَفْتَوْمِنُونَ بَعْضَ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ...» (بقره/ ۸۵)؛ آیا به بخشی از کتاب ایمان می‌آورید و به برخی دیگر کفر می‌ورزید. در روایتی از حضرت پیغمبر ﷺ آمده: «لَا يُحِبُّ عَلِيًّا مُنَافِقٌ وَ لَا يُبَغِضُهُ مُؤْمِنٌ» (حسن زاده آملی، بی‌تا، ص ۳۴)؛ منافق هرگز علی ﷺ را دوست نمی‌دارد و مؤمن هم هرگز نسبت به او کینه نمی‌ورزد. پس هر کس به علی ﷺ بغض بورزد مؤمن نیست و از این روایت معنای این جمله که گفتیم «ولایت علی ﷺ جزئی از ایمان است» برداشت می‌شود. در منطق شیعه اگر کسی در اذان، شهادت به ولایت امام علی ﷺ را مطرح نکند، از دو حال بیرون نیست یا ترک این شهادت از روی عناد و کینه نسبت به حضرت است که در این صورت شخص مسلمان است ولی از دایره ایمان خارج می‌باشد. چون جزء ایمان را ترک کرده است و یا از این جهت که این عبارت جزء فصول اذان نیست، می‌باشد که در این صورت اشکالی ندارد اما لازمه شهادت به رسالت حضرت رسول ﷺ شهادت به تمام آنچه ایشان از ناحیه حق آورده، می‌باشد که از جمله آن‌ها ولایت حضرت علی ﷺ است (ر.ک: حسن زاده آملی، بی‌تا، ص ۳۲-۴۰). همان طور که خود در روز عید غدیر خم در جمع حجاج فرمود: «مَنْ كُنْتُ مُوَلَّاهُ وَ هَذَا عَلِيٌّ مُوَلَّاهُ فَمَنْ يَنْكُثُ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلِيَّ نَفْسِهِ» (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۸۹)؛ هر کس من مولای اویم این علی مولای اوست پس هر کس که ایمان روز غدیر را نقض کند به ضرر خودش نقض کرده است.

و این که شهادت به ولایت امام علی ﷺ به طور رسمی در زمان پیغمبر ﷺ و ائمه شیعه ﷺ در اذان گفته نمی‌شده است (براساس متون تاریخی و روایات، بعضی از اصحاب و اذان خود شهادت به ولایت را ذکر می‌کردند، ر.ک: عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۸۷) را می‌توان براساس مصالح سیاسی اسلام، تدابیر مربوط به نبوت و حفظ جان امام از توطئه دشمنان و جلوگیری از تحریف اذان دانست و همان طور که با وجود منزلت و جایگاه رفیع امام ﷺ در هیچ جای قرآن به صراحت نامی از ایشان برده نشده تا قرآن از تحریف و دستکاری مخالفان مسئله امامت در امان ماند و جان حضرت نیز از توطئه‌های شوم دشمنان حفظ شود؛ در اذان هم به صراحت و به عنوان جزئی از اجزاء آن این عبارت نیامده تا در طی قرون و اعصار این شعار ملکوتی از تحریف و دستکاری اغیار مصون ماند. به هر حال به تصریح فقهای شیعه هیچ کس حق ندارد به نیت وجوب و به عنوان جزئی از اذان جمله‌ای در آن اضافه نماید.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «یا علی! مثلک مثلی» "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" "مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَكَ بِلِسَانِهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثِي الْقُرْآنِ وَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَكَ بِبَيْدِهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ" (الخصال، ج ۲، ص ۵۸) (الخصال، ج ۲، ص ۵۸)؛ یا علی! مثل تو مانند سوره توحید است هر کس تو را تنها در قلب دوست

بدارد گویا یک سوم قرآن قرائت کرده و هر کس تو را به قلب دوست بدارد و از نظر زبانی کمک کند گویا دو سوم قرآن و هر کس تو را به قلب دوست بدارد و از نظر زبان و دست یاری دهد گویا تمام قرآن را قرائت کرده است. در مورد شهادت (گواهی) به حضرت زهرا علیها السلام در اذان نیز همین طور است و ذکر عبارت آن در اذان تنها از روی حبّ و دوستی و به نیت ترک و رجاء قبولی می باشد (حسن زاده آملی، بی تا، ص ۳۲-۴۰).

اشکال دوم (به هم خوردن موالات در اذان)

در اذان موالات (پی در پی گفتن جمله ها و اذکار آن) شرط است و باید رعایت شود. حال اگر شما شهادت به حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام را در آن بگنجانید آیا این شرط را به هم نمی زنید؟ و موجب بطلان موالات اذان نمی شوید؟

پاسخ اشکال دوم: از دیدگاه شیعه این عبارات قول حق و کلمه ای مشروع است و موجب ابطال موالات اذان و اقامه نیست و فتوای تمام فقهای چهارگانه اهل سنت، تکلم به کلامی که زیاد نباشد و مخّل موالات هم نباشد در بین فصول اذان جایز است مگر احمد بن حنبل که تکلم به کلام غیر مشروع، مثل دروغ و غیبت را در اذان جایز ندانسته و موجب ابطال آن می داند اما سایر فقهای اهل سنت قائلند به این که: اگر در بین اذکار اذان کلمه حق و قول مشروعی گفته شود اشکالی ندارد و مخّل به موالات اذان نیست. ما اهل تشیع برای این که بخواهیم خودمان را در ایمان به اهل بیت علیهم السلام معرفی نماییم و حقیقت واقع را به بالاترین اصوات در مجامع عمومی عرضه بداریم، در اذان و اقامه مان شهادت امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیها السلام را ذکر می کنیم (ر.ک: حسن زاده آملی، بی تا، صص ۳۲-۴۰).

***«الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» نماز از خواب بهتر است.

در فقه شیعه و روایات اهل بیت علیهم السلام این جمله وجود ندارد ولی در منابع روایی اهل سنت چند روایت با مضمون های مختلف وجود دارد که در برخی از آن ها نقل شده رسول خدا صلی الله علیه و آله اذان را تعلیم داد و امر کرد این جمله را در اذان صبح بگویند و در برخی دیگر آمده است که این جمله را عمر بن خطاب و پسرش عبد الله به اذان اضافه کردند با این استناد که اگر نماز، خیر العمل باشد دیگر کسی در جنگ ها شرکت نمی کند. پس عبارت نماز از خواب بهتر است را جایگزین کردند.

نیازمند یادآوری است که "صحیح بخاری و صحیح مسلم" که از معتبرترین کتب اهل سنت می باشند، در روایات اذان این جمله را نقل نکرده اند. مذاهب اربعه اتفاق دارند که این جمله در اذان صبح مستحب است (ر.ک: به صحیح مسلم، کتاب الصلاة، باب صفة الأذان، ح ۳۷۹ و به صحیح بخاری، کتاب الأذان مراجعه شود).

***جمله «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» (بشتاب به سوی بهترین کارها) را تنها شیعیان می گویند. براساس بحارالانوار در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این عبارت در اذان گفته می شده اما عمر بن خطاب این جمله را حذف کرد به این تصور که مسلمانان به نماز پرداخته و از جهاد، غافل خواهند شد (همان).

نتیجه گیری

در پایان این مقاله از بین همه آنچه یافتیم و نگاشتیم به این حقیقت رسیدیم که اذان هم مثل نماز چشمه شست و شویی است از همه تعلقات دنیوی، خواهش های نفسانی و معبودهای دروغین. با چهار تکبیر در اذان انسان، خدا را از هوس های آلوده، از جلوه های دنیا، وسوسه های شیطان و القائات خلق بالاتر دیده و به او روی می آورد و به شهادت

توحید رسیده و حاکمیت "الله" را می‌پذیرد و گواهی می‌دهد که هنگامی که "الله" حاکم است برای یافتن حکم او، رسالت محمدی و ولایت علوی و ائمه معصومین علیهم‌السلام مطرح می‌شود و این شهادت دادن و اصرار و تکرار بر آن، سستی و تنبلی را از انسان زدوده و به وی نهیب می‌زند که «حیّ علی الصلاة، حیّ علی الفلاح، حیّ علی خیر العمل و...» و در مقابل این نهیب، یادآور می‌شود که نماز یادآوری این جریان و عقایدی است که به آن اقرار نموده‌ایم و نمود عینی این شهادت‌هاست و همراه این جریان و فرایند است که انسان زنده می‌شود و از مرگ معنوی می‌رهد و برای رویش استعدادها و زمینه فلاح و انجام بهترین کارها آماده می‌گردد. و دو تکبیر بعد از آن به شخص تذکر می‌دهد که توقف بی‌جا ممنوع! چرا که مانع از کسب سعادت است توقف یعنی اسیر عمل‌ها و وابسته حالات خوب خویش شدن که انسان را از هدف و مقصد باز می‌دارد. تمام و اصل زندگی حرکت و شدن به سوی توحید و خداگونگی است. توقف و ایستایی در آن یعنی مرگ و باز ماندن از وصول به مقصود و حرکت به سمت خدا که رمز بقا و جاودانگی است چرا که تنها آن چیزی باقی می‌ماند که رنگ خدایی داشته و برای او انجام شده باشد نه اله و معبودی دیگر: «لا اله الا الله».

به طور خلاصه می‌توان گفت:

اذان، شعار توحیدی است برای مسلمانان، اذان، شهادت است بر یگانگی معبود و رسالت خاتم پیامبران. بانگ بیدار باش است برای موحدان. آهنگ دلنوازی است برای فراخواندن به یک ارتباط زیبا با خالق جهانیان.

آنچه خواندید تنها به صورت تئوری و در تناسب موضوع مقاله آموزه‌ها و مفاهیم تربیتی اذان بود ولی چه خوب و ضروری است همه آنانی که دستی در کار دین و مسئولیت و رسالتی در این وادی دارند به برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های تئوریک محض بسنده نمایند و از رهگذر این نوع نشست‌ها، به فکر طراحی و ارائه راهکارهای علمی - عملی نوین پیشرفته و جوان پسند امروزی و سازماندهی نیروهای انسانی خلاق و مبتکر جهت عملیاتی کردن راهکارها باشند تا ان شاء الله با تلاش‌های هماهنگ، پیگیر و دلسوزانه همه مسئولان و دغدغه‌داران دیانت، شاهد تعالی معنوی افراد و به حداقل رسیدن خرده فرهنگ‌های معارض با دین و عملکردهای ناهنجار و نامعقول در سطح جامعه اسلامی خویش باشیم و با نشاط و توانمندی مضاعف علمی - عملی در صدور اسلام ناب محمدی به اقصی نقاط دنیا پیروز و سربلند باشیم. ان شاء الله

منابع

* قرآن کریم

۱. انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، جلد اول، تهران، سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۲. بندر ریگی، محمد؛ فرهنگ بندر ریگی (عربی به فارسی)، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۳. حاکم نیشابوری؛ مستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۵ق.
۴. حسن زاده آملی، حسن؛ شرح نص فاطمیه، شارح؛ مهدی آملی، ساری، نجم الدین، بی تا.
۵. حسینی، رضی الدین (سید بن طاووس)؛ فلاح السائل، مترجم: م. ر. قم، انصاری، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۶. دعوتی، ابوالفتح، و نماز یعنی رهبری، قم، ستاد اقامه نماز، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۷. دهخدا، علی اکبر؛ فرهنگ دهخدا، جلد دوم و چهاردهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۸. دهقان، اکبر؛ صد و چهارده نکته از قرآن کریم درباره نماز، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۹.؛ هزار و یک نکته از قرآن کریم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن کریم، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۴.
۱۰. شریف تهرانی، سید رضا؛ انسان - فضا - طراحی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتب درسی، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
۱۱. صدوق، محمد؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه محمد رضا انصاری محلّاتی، قم، نسیم کوثر، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۱۲. صفایی حائری، علی؛ صراط، قم، لیلۃ القدر، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
۱۳. عزیزی، عباس؛ ثواب الاعمال (۱۳) ثواب اذان، قم، صلاة، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۴.؛ سلامت روح، قم، نبوغ، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۱۵.؛ نماز از زبان امام علی (ع)، قم، صلاة، ۱۳۷۹.
۱۶. علیقی، محمد علی؛ محراب عشق (در فضیلت نماز جماعت)، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۷. قرائتی، محسن؛ پرتوی از اسرار نماز، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن کریم، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۶.
۱۸. قمی، شیخ عباس؛ منتخب مفاتیح الجنان، تنظیم: مرتضی داناوی، قم، سعید نوین، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۱۹. کمپانی، فضل الله؛ رحمت عالمیان (حضرت محمد المصطفی (ص))، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، بی تا.
۲۰. محقق دامغانی، محمود؛ اسرار فروع دین در فلسفه نماز، قم، مکتب اهل بیت، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲۱. محمدیان، محی الدین بهرام؛ کتاب پژوهش نیایش، تهران، ستاد اقامه نماز، شماره ۷ و ۸، ۱۳۸۰.
۲۲. مصاحب، غلامحسین؛ دایرة المعارف فارسی، جلد اول، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۲۳. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر؛ تفسیر نمونه، جلد چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و سوم، ۱۳۷۹.
۲۴. واعظی نژاد، حسین؛ طهارت روح (عبادت و نماز در آثار شهید مطهری (ره))، قم، ستاد عقیدتی - سیاسی وزارت دفاع، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۵. سایت علمی دانشجویان ایران/ بخش مذهبی / پاسخگویی به سؤالات / ۱۳۸۷/۳/۲۷.